

ORIGINAL ARTICLE

بررسی سندی مربوط به واقعه حصبه سال ۱۳۲۲ هجری شمسی (۱۹۴۳ میلادی) شیراز

An Investigation into a Medical Report on Typhoid in Shiraz in 1322 Solar Hijri (1943 AD)

Mostafa Nadim¹

1- Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Mostafa Nadim; Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran.
mos.nadim@gmail.com

مصطفی ندیم^۱

۱- دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: مصطفی ندیم، دانشیار گروه تاریخ، دانشکده
ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
mos.nadim@gmail.com

Abstract

The Second World War brought many calamities on Iran, one of which was the spread of contagious diseases. The climax of the epidemic diseases was between the years 1320 (1941) and 1322 (1943). The disease spread mostly in Tehran, the capital of Iran. The fatality rate, however, was not as high as other cities. This was due to the availability of more medical facilities in the capital. The people of Shiraz were also inflicted with typhoid and typhus, the former causing the most fatalities, though. The greatest death toll from typhoid was in the year 1322 (1943) in Shiraz. This paper studied a medical document dated 1321 (1942) reporting on the spread of the two diseases. The document belongs to the Fars province high commissioner of medical hygiene. The report gives an account of water distribution centers, calling for some preventive measures. The outbreak of typhoid in the city shows that the governmental authorities have neglected the warnings given in the report, resulting in the death of numerous people.

Key words: Shiraz, Typhoid, Contagious diseases, World War II, Human casualties

Received: 12 Jan 2016; Accepted: 25 Feb 2016; Online published: 15 May 2016

Research on History of Medicine/ 2016 May; 5(2): 109-116



خلاصه مقاله

جنگ جهانی دوم برای ایران پیامدهای بسیار ناگواری داشت که یکی از مهمترین آنها شیوع بیماری های واگیردار بود. این بیماری ها بیش از همه از طریق سربازان و اسیران جنگی وارد ایران شد. در طی دو سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ این بیماری ها به اوج خود رسید. تهران به عنوان مرکز ایران شاهد بیشترین شیوع بیماری بود اما از آنجا که امکانات پزشکی در این شهر بیشتر از شهرستانها و یا روستاها بود تعداد تلفات انسانی کمتر بود.

در مدت کوتاهی بیماری های واگیر و بیش از همه تیفوس و حصبه به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد. ورود اتباع بیگانه و آبهای آلوده از عوامل اصلی بیماریهای تیفوس و حصبه به شمار می رفت.

شهر شیراز نیز از این دو بیماری خانمانسوز در امان نماند اما بیماری حصبه بیش از تیفوس اهالی شیراز را به کام مرگ کشاند. اوج بیماری حصبه و تلفات انسانی در شیراز مربوط به سال ۱۳۲۲ است. این مقاله سندی پزشکی مربوط به اسفند ماه سال ۱۳۲۱ زمانیکه بیماری حصبه در شیراز در حال شیوع است را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

سند مربوط به تحقیق اعضای عالی پزشکی استان فارس، رییس بهداری لشکر جنوب، پزشک قانونی استان و کفیل بهداری استان از مراکز تقسیم آب و گزارش و پیشنهاد آنها برای مقابله با شیوع این بیماری در شیراز است. شیوع بیماری حصبه در سال ۱۳۲۲ و تلفات شدید انسانی در شیراز نشان می دهد که مسئولین وقت به این اخطارها و پیشنهادات توجه زیادی نکردند و در پی آن تعداد زیادی از مردم شیراز بر اثر بیماری حصبه از بین رفتند.

کلمات کلیدی: بیماری های واگیردار، تلفات انسانی، جنگ جهانی دوم، حصبه، شیراز

مقدمه

در جریان جنگ جهانی دوم ایران بی طرفی خود را به کشورهای در حال جنگ اعلام کرد اما این بی طرفی از سوی آنها نادیده گرفته شد و با ضعف حکومت مرکزی ایران، نیروهای روس و انگلیس وارد ایران شده و به دخالتهای خود که پیش از این هم وجود داشت^۱، ادامه دادند با این تفاوت که اینک این دخالتها بسیار بیشتر و علنی تر شد.

در این زمان تعداد سه گروه از نیروهای در حال جنگ در ایران بیشتر شد. دو گروه روس و انگلیس که بطور مستقیم در حال نبرد بودند و سوم اسیران لهستانی که توسط نیروهای روس اسیر شده، روسها آنها را به ایران آورده بودند. بیشتر آلودگیها از طریق همین گروه سوم یعنی لهستانیها وارد ایران شد. اسیران لهستانی به وضعیتی بسیار اسفناک و با لباسهای مندرس و آلوده به شپش به اردوگاه های نزدیک تهران انتقال یافتند اما در حفظ و نگهداری آنها و همچنین مبارزه با بیماری های آنها هیچ اقدام جدی صورت نگرفت و حتی زمانیکه به آنها لباسهای نو داده شد لباسهای کهنه از بین نرفت و توسط گروههای دلال به مردم فقیر فروخته شد.^۲ در ورود این افراد به شهر هم ممانعت جدی صورت نگرفت و همین بی توجهی ها موجب شد که در مدت کوتاهی شپش و بیماری تیفوس در تهران بسیار شایع شود.

این زمان مصادف با تغییر در حاکمیت ایران بود و حکومت وقت رسیدگی به وضعیت بهداشت را در اولویت کاری خود قرار نداد و در پی آن تیفوس در تهران همچنان در حال شیوع بود. در اواخر سال ۱۳۲۱ وضع بهداشت و خطر بیماری تیفوس و تلفات آن چنان زیاد شد که دولت وقت به فکر چاره افتاد اما تعطیلات نوروز سال جدید وقفه ای در اقدام فوری ایجاد کرد. از بهترین منابع موجود برای درک وضعیت اسفبار تهران در این زمان روزنامه اطلاعات است. بنا به نوشته این روزنامه در ۹ فروردین سال ۱۳۲۲، دولت بودجه ای را به ساخت بیمارستان و افزایش تخت های بیمارستان اختصاص داد اما این میزان هنوز کفاف تعداد بیماران را نمی داد.^۳

آنچه بود بیماری تیفوس تا سال ۱۳۲۳ همچنان شایع بود و بالاخره با تلاش مسئولین و توجه بیشتر به بهداشت عمومی، این بیماری مهار شده و آلودگی ها از بین رفت.

1- Madani, 1982: 125.

2- Dehghan Nezhad, 2010; 45.

3- Archive of Eteaalat Newspaper, 1942-3.



تیفوس و حصبه در شیراز

در فروردین سال ۱۳۲۲ وزیر کشور وقت طی نامه ای به نخست وزیر از شیوع بیماری تیفوس در برخی از شهرهای ایران خبر داد.⁴ در این لیست از شیراز نامه‌ای نیامده است. این لیست نشان می دهد که شیوع تیفوس در شیراز زیاد نبوده است اما در کنار آن متاسفانه بیماری حصبه بسیار دامنگیر شد و تلفات زیادی به بار آورد. اوج بیماری حصبه در پاییز سال ۱۳۲۲ است. در اینجا به بررسی سند موجود (تصویر ۱) می پردازیم. در این سند آمده است:

در روز پنجشنبه ۱۳۲۱/۱۲/۱۳ حسب الامر فرماندهی معظم نیروی جنوب، آقای سرهنگ دکتر یزدان مهر رییس بهداری لشکر و آقای دکتر قربان پزشک قانونی و آقای دکتر یغمایی کفیل بهداری استان برای تجسس در علل و پیدایش اپی دمی حصبه در شهر به مراکز تقسیم آبهای شهر رفته و مشاهدات خود را ذیلا بعرض عالی می رسانند.

۱- مسجد بردی و باغات مجاور آن که آب رضاآباد از آنجا عبور می کند و قسمت مهمی از شهر را مشروب می نماید، چنانچه تحقیق شد در محل مزبور عده ای مبتلا به حصبه وجود داشته اند که بوسیله آنها آب مزبور آلوده شده.

۲- ایبوردی و باغات مجاور که آبهای خیرات، مسیر، حاجی شمس، نصرت که آبهای مشروب کننده شهر می باشند از آن عبور می کنند و مخصوصا آب خیرات که جنوب شهر را مشروب می کند از اغلب خانه های ایبوردی بطور روباز عبور کرده و تمام کثافات خانه های مزبور را شستشو کرده بشهر می آورد و چنانچه در آنجا مشاهده شد چند نفر مبتلای به حصبه هستند.

آب مسیر هم که پادگان ها را مشروب می کند از محل مزبور عبور کرده از خانه ها گذشته و کثافات را با خود می آورد. آب مزبور می تواند در هر آن منشاء و مبداء اپی دمی هایی بین افراد پادگان مزبور شود.

با توجه دقیق به نکات معروضه نظریات خود را برای جلوگیری از انتشار بیماریهای منتشره حضور مبارک معروض می داریم.

۱- سابقا مجرای وجود داشته است که آب خیرات بدون آنکه از ایبوردی عبور کند بشهر وارد می شده و هنوز شترگلوئی آن باقی است و ممکن است با مخارج خیلی جزئی مسیر آب را از ایبوردی تغییر داد و از این جهت بزرگترین خدمت به بهداشت عمومی شهر خواهد شد.

۲- آب مسیر که قسمتی از شهر و پادگان ها را مشروب می کند روی آنرا در نقاطی که از خانه های مجاور عبور می کند بپوشانند و اشخاص و ساکنین خانه ها را ملترزم و متعهد کنند که به مجرای آب به هیچوجه دست نزنند.

۳- آب رضاآباد که از مسجد بردی و باغات مجاور می گذرد و در مسیر خود به انواع کثافات آلوده می شود ممکن است بواسطه مجرای زیرزمینی عبور داده شده در نزدیکی ستاد لشکر سطحی شود و از آنجا نیز بوسیله مجاری سطحی روپوشیده از خیابانهای مهم شهر عبور و در مخازن و آب انبارهای مخصوص جمع شده بطریقی که آب انبارهای مزبور دارای شیر بوده و اهالی بتوانند از یک آب دست نخورده و سالم استفاده کنند.

چنانچه اقدامات نامبرده مورد توجه حضرت اشرف قرار گرفته و انشالله عملی شود بزرگترین خدمت حیاتی فراموش نشدنی به اهالی شهر شده و علاوه بر جلوگیری از انتشار بیماریهای حصبه و اسهال از لحاظ داشتن یک آب گوارا و صحتی نیز خدمت شایانی به بهداشت عمومی خواهد شد.

دکتر یزدان مهر دکتر قربان دکتر یغمایی



خاطرات خود در تیتري با عنوان " شیوع مرض حصبه در سال ۱۳۲۲"⁶ از این ماجرا به اختصار در حد دو صفحه یاد کرده است. غیر این کتاب نگارنده در مصاحبه با افرادی که از نزدیک مبتلابه این واقعه بودند مصاحبه کرده و اطلاعات بیشتر را از یاد و زبان آنها بدست آورده است. در اینجا ابتدا سند را مورد بررسی قرار داده سپس با استفاده از اطلاعات بدست آمده واقعه شیوع حصبه در شیراز را مورد توجه بررسی قرار می دهیم.

- نخستین مساله زمان نوشتن این سند است. این سند در اسفندماه سال ۱۳۲۱ تنظیم شده است. بنا به شواهد عینی از نیمه دوم سال ۱۳۲۱ بیماری حصبه در شیراز مشاهده شده است. بر اساس اطلاعاتی که از تهران موجود است و به گوشه ای از آن اشاره شد، شیوع بیماری های واگیردار از سال ۱۳۲۱ آغاز شده است.
- مساله دوم بیان علت اصلی شیوع حصبه می باشد که به گفته پزشکان آن زمان، علت اصلی، آبهای آلوده بوده است. مرحوم نیر در این مورد نظر دیگری دارد.

" دکترهای اکثور مآب که در مقام مبارزه به این مرض برآمدند سبب را خوردن آب جاری و خضرویات (سبزی خوردن) و شپش دانسته جدا مردم را منع از آنها می کردند. ولی اینها سبب نبود. چون کسانی که خود آرد تهیه و نان می پختند، مبتلا نشدند. همه از کسانی گرفتار بودند که خوراکشان از این نان ها بود."⁷

گفته مرحوم نیر در مورد وضعیت بد و نامطلوب نان مصرفی درست است و در دو سال بعد از جنگ در بسیاری از شهرهای ایران و از جمله شیراز وضع نان بسیار بد بود. گندم های سالم را متفقین به خارج از ایران برده بودند و انبارها نیز تخلیه شده بود و از گندم های بسیار نامرغوب استفاده می شد و به دلیل عدم نظارت صحیح، نانوایان از مخلوط کردن هر گونه خوراکی نامرغوب و غیر بهداشتی در آرد آبا نداشتند اما نان عامل اصلی شیوع حصبه نبود و در این مورد مرحوم نیر برخطاست.

بنا به شواهد عینی حتی کسانی که در خانه نان تهیه می کردند نیز به این بیماری دچار شدند زیرا هم آب آلوده بود و هم اینکه وقتی در یک محله یک نفر بیمار می شد به دیگران نیز سرایت می کرد و در آن زمان بیشتر ساکنان شیراز در بافت قدیم زندگی می کردند و در این بافت ثقل جمعیت زیاد بود و بودند خانه هایی که در آن چند خانواده زندگی می کردند و همین موجب شیوع بیشتر بیماری می شد، در نتیجه باید گفت که همچنان آب آلوده را باید مهمترین عامل این بیماری دانست.

- مساله سوم مربوط به مجاری آب در شیراز و شیوه رسیدن آب به محلات است. در شیراز تا پیش از لوله کشی آب، آب مصرفی مردم در محلات قدیم از آب قنات ها و چشمه ها تامین می شد و این آب از طریق مجراها به مقسم ها و سپس به سوی شهر و محلات هدایت می شد. میراب ها به دو دسته اصلی بودند. میراب هایی که کارشان تقسیم آب در محل مقسم ها بود و میراب هایی که در محلات، آب را تقسیم می کردند. متاسفانه از اوایل دهه بیست (۱۹-۱۳۱۰) با ساخت و سازهای جدید در بافت جدید شهری یعنی ساخت خیابانها و محلات جدید، به برخی از مسائل اصلی شهری در بافت قدیم بی توجهی شد و از مهمترین آنها یکی همین مساله آب بود.

بنا به نوشته این سند محرمانه مجرای آب ورودی به شهر در چند مسیر رویاز شده و مردم به آن آب دسترسی دارند و با کثیف و آلوده کردن آب موجب شیوع بیماری می شوند، همچنین در طول مسیر در جایی مانند مسجد بردی (محله قصردشت کنونی) بیماری حصبه مشاهده شد و یکی از آبهای اصلی شهر از این محل عبور می کرده است.

همچنین همین آب وارد پادگان می شده و در صورت آلوده بودن سربازان و دیگر ساکنان پادگان به بیماری آلوده می شدند.

بنا به نوشته سند معلوم می شود که تا پیش از این زمان آب خیرات از طریق مجاری سرپوشیده وارد شهر می شده است و هنوز آثار شترگلی آن باقی است و در صورت بسته شدن تمامی مسیر مجرا می توان از شیوع بیماری جلوگیری کرد.



پزشکان در پایان برای جلوگیری از شیوع این بیماری به فرماندهی جنوب کشور پیشنهاداتی ارائه کرده اند که مهمترین آن پوشاندن مسیرهای روباز و احیای مجاری می باشد و در این مورد اذعان داشته اند که هزینه انجام این کار زیاد نخواهد شد.

اما در مورد وقوع حادثه باید گفت که اوج شیوع این بیماری در شیراز در پاییز سال ۱۳۲۲ بود و در پی آن تعداد زیادی از مردم شیراز از بین رفتند. مرحوم نیر در این مورد چنین می گوید:

"راستی قتل عام کرد روز به روز سختی زیادتر و گرفتاری بیشتر گشت. آنچه داشتیم مهمانان عزیز خوردند و پوشیدند. ما را به گرسنگی و برهنگی و استیصال همه طوری مبتلا کردند. مرده ی ما می نالید که کفن نداشت. زنده ی ما می نالید که مایحتاج نداشت. زن ما می نالید که سترعورت نداشت. بچه ی ما می نالید که نان نداشت و همه و همه مرگ از خدا می خواستند و به رفتگان عوض فاتحه، تهنیت می فرستادند."⁸

نوشته های نیر در بیشتر موارد با طنز تلخ اجتماعی همراه است و اتفاقاً این شیوه نگارش وخامت اوضاع و سختی را بهتر نمایان می کند. منظور مرحوم نیر از مهمانان، متفقین هستند که وی به طنز و طعنه از آنها با عنوان مهمان یاد می کند. بنا به گفته شاهدان عینی، عمق فاجعه بسیار زیاد بوده است و کمتر خانه ای در شیراز بود که در این بیماری عزیزی را از دست نداده باشد.

نتیجه گیری

از نتایج جنگ جهانی دوم برای ایران، پیامدهای تاسف باری همچون شیوع بیماری های واگیردار بود. عامل اصلی این بیماری ها، ورود آنها توسط سربازان و اسیران جنگی بود اما آنچه بر شیوع این بیماری ها دامن زد، نبود بهداشت عمومی، مشکلات اقتصادی مردم و بیش از همه بی کفایتی و عدم نظارت صحیح بر بهداشت عمومی توسط حاکمیت وقت بود.

این بیماری های ابتدا در تهران جان بسیاری از مردم را گرفت و سپس به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد. در بین بیماری های واگیردار در این زمان تیفوس و تیفوئید یا حصبه از همه بیشتر شایع شده و خطرناکتر بود.

در شیراز از اواسط سال ۱۳۲۱ نمونه های بیماران حصبه ای مشاهده شد. در اواخر سال ۱۳۲۱ وضع این بیماری چنان بود که رییس لشکر جنوب از مرکز اصلی پزشکی در شیراز خواست تا به وضع موجود رسیدگی کند. در سندی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. رییس بهداری ارتش، پزشک قانونی و کفیل بهداری موظف به رسیدگی شدند. این سه نفر ضمن تحقیق و بررسی مخازن و مراکز تقسیم آب متوجه شدند که عامل اصلی شیوع بیماری حصبه، آلودگی آب می باشد و این آلودگی بیش از همه به دلیل سر باز شدن مجاری آب تا ورود به شهر شیراز است و در این مسیر مردم آب را از قسمت هایی از مجاری که باز است، کثیف و آلوده می کنند. همچنین این گروه پیشنهاد کردند که برای جلوگیری از شیوع این بیماری بهترین راه حل بستن مجاری روباز است و به گفته آنها برای انجام این کار به هزینه زیادی نیز نیاز نیست. بنا به شواهد موجود حدود هفت ماه بعد در پاییز سال ۱۳۲۲ بیماری حصبه در شیراز جان بسیاری از مردم را گرفت. این امر نشان می دهد که مسئولین امر به پیشنهاد این پزشکان توجه زیادی نکردند و یا حداقل آنکه به تحقیق آنها اهمیت ندادند. واقعیت آنکه در این زمان دولت ایران پس از عزل رضاشاه از حکومت و سلطنت محمد رضا شاه و بروز جنگ چنان درگیر مسائل سیاسی پس از جنگ بود که به این امور که بسیار مهم نیز بود رسیدگی نمی کرد و از آن مهمتر اینکه ساخت و سازهای جدید در بافت جدید شهر شیراز موجب بی توجهی به برخی از مهمترین نیازهای جامعه شهری شیراز یعنی آبرسانی شده بود. بر اساس نوشته های این سند آثار شتر گلوی مجاری گذشته هنوز باقیست و این نشان می دهد که تا مدتی پیش مساله آبرسانی به شیراز با مشکل خاصی مواجه نبوده است اما از زمانیکه به مساله آبرسانی کمتر توجه شد، مجاری ورود آب آسیب دید و زمینه آلوده شدن آب ورود به شهر فراهم شد. اینکه مردم در مسیر، راه آب را باز کرده اند و یا راه آب آسیب دیده است مهم



نیست بلکه مهم آن است که در آبرسانی به شیراز نظارت و کنترل صحیحی از سوی دولت اعمال نشد و بستر آلودگی آب و به دنبال آن شیوع بیماریها فراهم شد.

References

- Archive of Eteaalat Newspaper, 1942-3. [In Persian]
- Nadim M. Acquiring Influenza in Shiraz in 1918 AD (1336 HA). *Res Hist Med*. 2013; 2(3): 95-102. [In Persian]
- Tayarani B. [*Tasire Jange Jahani Dovom Bar Vazeyate Behdashtiyeh Mardom*]. *Faslname Ganjine Asnad*. 1999;33. [In Persian]
- Dehghan Nezhad M, Lotfi E. [*Bimariye Tifus, Eyamad Vughu Va Gos-taresh Jange Jahanie Dovom Dar Iran*]. *Faslname Tarikh Ravabet Khareji*. 2010;45. [In Persian]
- Madani J. [*Tarikh Siyasi Moasere Iran*]. Tehran: Nashre Eslami. 1982. [In Persian]
- Nayer Sh A. [*Ruzegare Pahlavi Aval*]. Corrected by Nayeri MY. Shiraz: Shiraz University, 2008. [In Persian]





Abū-Muhammad Muslih al-Dīn bin Abdallāh Shīrāzī (Persian: ابو محمد مصلح‌الدین بن عبدالله شیرازی), better known by his pen-name Saadi (سعدی Sa' dī), also known as Saadi of Shiraz (سعدی شیرازی Saadi Shirazi), was one of the major Persian poets and literary men of the medieval period. He is not only famous in Persian-speaking countries, but has been quoted in western sources as well. He is recognized for the quality of his writings and for the depth of his social and moral thoughts. Saadi is widely recognized as one of the greatest poets of the classical literary tradition. He was born in Shiraz, Iran, c. 1210. His best known works are *Bustan* (The Orchard) completed in 1257 and *Gulistan* (The Rose Garden) in 1258.